

26814 - روزهی رمضان بر چه کسانی واجب است؟

سوال

روزهی رمضان برای چه کسی واجب است؟

پاسخ مفصل

روزه در صورت فراهم بودن پنج شرط بر شخص واجب می شود:

۱- مسلمان باشد

۲- مکلف باشد

۳- توانایی روزه را داشته باشد

۴- مقیم باشد

۵- موانع روزه وجود نداشته باشد

این ها پنج شرطی است که در صورت فراهم بودن در یک شخص، روزهی رمضان برای وی واجب خواهد بود.

با شرط اول، کافر از وجوب روزهی رمضان خارج می گردد، زیرا اولاً روزه برای وی لازم نیست و ثانیاً در صورتی که روزه بگیرد روزه اش قبول نخواهد بود و اگر مسلمان شود لازم نیست قضای روزه های پیشین را به جای آورد.

دلیل آن سخن الله متعال است که می فرماید:

﴿وَمَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَى وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ﴾ [توبه: ۵۴]

(و هیچ چیز مانع پذیرفته شدن انفاق های آنان نشد جز آنکه به خدا و پیامبرش کفر ورزیدند و جز با حال کسالت نماز به جای نمی آورند و جز با کراهت انفاق نمی کنند).

اگر انفاق که سودش فراتر از شخص است [و به دیگران هم می رسد] به سبب کفرشان از آنان پذیرفته نمی شود، عبادات خاص [که مخصوص فرد است و سودش به دیگران نمی رسد] من باب اولی پذیرفته نخواهد شد.

و اینکه قضای روزه‌های پیشین برای کافری که تازه مسلمان شده لازم نیست به دلیل این سخن پروردگار است که می‌فرماید:

﴿قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَنْتَهُوا يُعْظَمَ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ﴾ [انفال: ۳۸]

(به کسانی که کفر ورزیده‌اند بگو اگر باز ایستند [و از کفر دست کشند] آنچه گذشته است برایشان آمرزیده می‌شود).

همچنین به تواتر از پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت شده که به کسانی که مسلمان می‌شدند دستور نداده‌اند تا واجباتی که از آنان فوت شده را انجام دهند.

اما آیا کافری که اسلام نیاورده در آخرت برای روزه‌هایی که به جای نیاورده مجازات می‌شود؟
پاسخ:

بله به خاطر ترک روزه و دیگر واجبات مورد مواخذه قرار می‌گیرد، زیرا وقتی مسلمان مطیع خداوند که به شرع وی پایبند است در صورت ترک واجبات مورد بازخواست قرار می‌گیرد، من باب اولی مستکبران نیز مورد بازخواست قرار خواهند گرفت، و اگر کافر برای نعمت‌های خداوند مانند غذا و نوشیدنی و لباسی که استفاده کرده عذاب می‌شود، من باب اولی به سبب ارتکاب حرام و ترک واجبات عذاب خواهد شد. این از جهت قیاس.

اما از جهت نص، الله متعال درباره‌ی اصحاب یمین چنین نقل کرده که خطاب به مجرمان می‌گویند:

﴿مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ (۴۲) قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ (۴۳) وَلَمْ نَكُ نُطْعِمِ الْمَسْكِينِ (۴۴) وَكُنَّا نَحْوُ مَعَ الْحَائِضِينَ (۴۵) وَكُنَّا نَكْذِبُ بِيَوْمِ الدِّينِ﴾ [مدثر: ۴۲ - ۴۶]

(چه چیز شما را در [آتش] سقر در آورد؟ (۴۲) گویند: از نمازگزاران نبودیم (۴۳) و بینوایان را غذا نمی‌دادیم (۴۴) و با هرزه‌گویان هرزه‌گویی می‌کردیم (۴۵) و روز جزا را دروغ می‌شمردیم).

این‌ها چهار عاملی است که باعث جهنمی شدن آنان شده است: ترک نماز، ترک زکات، هرزه‌گویی مانند تمسخر آیات پروردگار، و تکذیب روز جزا.

شرط دوم:

اینکه شخص مکلف باشد و مکلف یعنی انسان بالغ عاقل، زیرا کودک و دیوانه اهل تکلیف نیستند.

بلوغ با یکی از سه نشانه که در سوال شماره‌ی (70425) به آن پرداخته شده، حاصل می‌گردد.

عقل برعکس دیوانه است. دیوانه یعنی آنکه عقل ندارد مانند مجنون یا سبک مغز. هر کسی که به هر وصفی عقل نداشته باشد مکلف نیست و هیچ یک از واجبات دین برایش الزامی نیست؛ نه نماز و نه روزه و نه حتی غذا دادن به جای روزه، یعنی مطلقاً هیچ چیز بر وی واجب نیست.

شرط سوم:

شخص باید «توانا» باشد، یعنی توانایی روزه گرفتن را داشته باشد، اما عاجز و ناتوان روزه بر وی واجب نیست، چنانکه الله متعال می فرماید:

﴿وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ﴾. [بقره: ۱۸۵]

(پس هر که بیمار یا در سفر است [باید به شمار آن] تعدادی از روزهای دیگر [را روزه بدارد]).

اما این ناتوانی دو نوع است: موقتی و دائمی.

ناتوانی موقتی همان موردی است که در آیه‌ی پیشین به آن اشاره شده است، «مانند بیماری‌ای که امید شفای هست و مسافر، که برای این‌ها جایز است روزه نگیرند و سپس قضای آنچه فوت شده را به جای آورند».

ناتوانی همیشگی «مانند بیماری که امیدی به شفای بیماری‌اش نیست یا کهن سالی که توانایی روزه را ندارد» و این همان موردی است که در این سخن الله متعال اشاره شده است:

﴿وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مَسْكِينٍ﴾. [بقره: ۱۸۴]

(و بر کسانی که طاقت آن را ندارند، کفاره‌ای است که خوراک دادن به بینوایی است).

ابن عباس این آیه را چنین تفسیر کرده که «پیرمرد و پیرزن اگر توانایی روزه را ندارند برای هر روز یک بینوا را غذا می دهند».

شرط چهارم:

اینکه شخص مقیم باشد، اما اگر مسافر باشد روزه برای وی واجب نیست، زیرا پروردگار متعال فرموده است:

﴿وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ﴾. [بقره: ۱۸۵]

(و کسی که بیمار یا در سفر است [باید به شمار آن] تعدادی از روزهای دیگر [را روزه بگیرد]).

علما بر این مساله اجماع دارند که برای مسافر جایز است روزه نگیرد.

بہتر آن است کہ مسافر آنچه را برایش آسان تر است انجام دہد، و اگر روزہ برایش مضر باشد روزہ گرفتن حرام خواهد بود، زیرا اللہ متعال می فرماید:

﴿وَلَا تَفْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا﴾ [نساء: ۲۹]

(و خودتان را نکشید زیرا اللہ ہموارہ با شما مہربان است).

آیہی فوق دال بر این است کہ ہر چہ برای انسان زیانبار است از نظر شرع ممنوع می باشد. بہ سوال شمارہی (20165) مراجعہ نمایید.

اگر پرسیدہ شود: معیار ضرری کہ روزہ را حرام می سازد چیست خواهیم گفت:

ضرر یا از طریق حس فہمیدہ می شود یا از طریق خبر. از طریق حس بہ این صورت کہ بیمار احساس می کند روزہ بہ زیان اوست و باعث درد و سختی و یا تاخیر درمانش می شود.

خبر نیز یعنی آنکہ پزشکی آگاہ و مورد اعتماد بہ او بگوید روزہ برای سلامتی اش مضر است.

شرط پنجم:

نبودن موانع روزہ. این شرط مخصوص زنان است زیرا زنانی کہ در عادت ماہیانہ ہستند و ہمینطور زنانی کہ دچار نفاس می باشند روزہ برایشان لازم نیست، زیرا پیامبر. صلی اللہ علیہ وسلم. می فرماید: «آیا اینگونہ نیست کہ زن وقتی حیض شود نماز نمی خواند و روزہ نمی گیرند؟» بنابراین بہ اجماع روزہ برای آنان لازم نیست و بلکہ قضای آن واجب است.

الشرح الممتع (۳۳۰/۶)

واللہ اعلم.